

مردم از پس افزایش ۲۵ درصدی اجاره‌بها هم بر نمی آیند

استیصال مستأجران در قبال تعیین سقف اجاره‌بها



حتی تندرهای اسرائیل هم در شرایط موجود به نتانیاهو حمله نمی کنند

هزینه تراشی

تندرهای داخلی

صفحه ۱



اظهارات روس ها بررسی شد

نقش آفرینی مسکودر

مدیریت اورانیوم ایران؟

صفحه ۱



دلایل افزایش فعالیت‌های مجرمانه و پول‌شویی بررسی شد

استتار مفسدین اقتصادی

پشت حساب‌های اجاره‌ای

صفحه ۱



تغییر حقوق‌دانان در نهاد نظارتی بررسی شد

فصل تغییرات در

شورای نگهبان؟

با پایان یافتن دوره عضویت ۶ تن از اعضای شورای نگهبان، تغییر و تحولات جدیدی در این نهاد قانونی در راه است. چنانچه روز گذشته، ۶ کاندیدای عضویت در شورای نگهبان به مجلس معرفی شدند.

چهل و پنج سال از برپا شدن نهاد شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران می گذرد و ۲۶ تیر ماه نیز در تقویم ایران به نام این شورا نام گرفته شده است. نهادی که در ۲۱ اصل از ۱۷۷ اصول قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته و وظیفه اصلی آن نیز بررسی عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین اسلامی و قانون اساسی است.

به گزارش خبرآنلاین بر اساس آنچه در اصول ۹۱ و ۹۲ قانون اساسی آمده است، شورای نگهبان شش عضو حقوقدان دارد که این اعضا با معرفی رئیس قوه قضائیه و با رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب می شوند. ۶ عضو فقیه شورای نگهبان هم توسط رهبر انقلاب منصوب شده و باید دارای شرایطی همچون عدالت، آگاهی به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند. همچنین، طبق اصل نود و دوم قانون اساسی، اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشت سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می کند و اعضای جدیدی به جای آنها انتخاب می شوند. حال با پایان یافتن دوره عضویت ۶ تن از این اعضای شورای نگهبان، تغییر و تحولات جدیدی در این نهاد قانونی در راه است. چنانچه روز گذشته، ۶ کاندیدای عضویت در شورای نگهبان به مجلس دوازدهم معرفی شدند.

شرح درصفحه ۱

عراقچی مطرح کرد

توانمندی نظامی و دفاعی

ایران، موضوع هیچ مذاکره‌ای

نخواهدبود

صفحه ۱



سعید پای بند

سرمقاله



تحلیل بدون تخصص، بازی با امنیت و منافع کشور

در فضای رسانه‌ای پرشتاب و چندلایه امروز، مرز میان تحلیل کارشناسانه و اظهارنظر شتابزده بیش از پیش ناپیدا شده است. هر چند اصل آزادی بیان و مشارکت عمومی در مباحث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امری پسندیده و حتی ضروری‌ست، اما زمانی که اظهارنظرهای غیرکارشناسی از تریبون‌های رسمی یا رسانه‌های پرمخاطب منتشر می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را بی‌خطر تلقی کرد.

در شرایطی که ایران با چالش‌های پیچیده و چندلایه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی مواجه است، بیش از هر زمان دیگر نیازمند گفتار دقیق، تحلیل‌های کارشناسی و تصمیم‌سازی‌های مبتنی بر عقلانیت هستیم. در چنین فضایی، آنچه می‌تواند روند مدیریت کلان کشور را به انحراف بکشد، نه‌تنها تصمیم‌گیری غلط، بلکه اظهارنظرهای غیرکارشناسی و بی‌پشتوانه‌ای است که از تریبون‌های رسمی، رسانه‌های پرمخاطب یا فضای مجازی منتشر می‌شوند.

این قبیل اظهارات که بعضاً با انگیزه‌های جانچی، عوام‌گرایانه یا بدون آگاهی کافی صورت می‌گیرد، ممکن است در نگاه اول بی‌ضرر جلوه کند، اما در عمل، تبعات سنگینی برای منافع ملی کشور به همراه دارد. از ایجاد ناطمینیاتی در فضای اقتصادی گرفته تا ارسال سیگنال‌های متناقض در عرصه دیپلماسی، همه و همه می‌توانند حاصل یک تحلیل نادرست، یک اظهارنظر نسنجیده و یک برداشت سطحی باشند.

برای مثال، در حوزه سیاست خارجی، اظهارات نسنجیده درباره روابط با کشورهای منطقه یا قدرت‌های جهانی می‌تواند موجب ارسال سیگنال‌های متناقض، افزایش سوءتفاهم‌ها یا حتی تنش‌های ناخواسته شود.

ادامه درصفحه ۱

نتیجه دیدار پشت درهای بسته نتانیاهو و ترامپ چه بود؟

ثالث منتقل کند؛ ایده‌ای که با مخالفت جدی مصر مواجه شده است. نتانیاهو به ارتش دستور داده تا طرح جایگزینی برای عملیات ناکام «ارابه های جعدون» تدوین کند و تأکید کرده است: «انتظار دارم پس از بازگشت از واشنگتن، یک برنامه عملیاتی جدید روی میزم باشد.» در صورتی که مذاکرات رسمی درباره پایان جنگ آغاز شود، خطوط کلی مطالبات فلسطینیان از هم‌اکنون روشن است، خروج کامل نیروهای اسرائیلی از غزه، تشکیل دولت تکنوکرات برای اداره منطقه و آغاز فرایند بازسازی. حساس نیز به طور رسمی اعلام کرده که تمایلی به مشارکت در دولت آینده نخواهد داشت.

بر نقطه مقابل، موضع تل‌آویو نیز تا حد زیادی روشن و مبتنی بر اصولی است که از سوی طرف فلسطینی به‌کلی رد می‌شود؛ اصولی مانند نابودی کامل زیرساخت‌های نظامی و حکومتی حساس، تبدیل غزه به منطقه‌ای کاملاً خلع سلاح‌شده، استقرار دائمی نیروهای اسرائیلی در مناطق راهبردی، تداوم کنترل همه‌جانبه امنیتی توسط اسرائیل، باز گذاشتن مسیر مهاجرت ساکنان غزه، بر مبنای «طرح ترامپ»، حذف کامل هر دو جریان حساس و فتح از ساختار قدرت منطقه‌ای، اما پرسش کلیدی این است که دولت آمریکا برای پایان جنگ و وضعیت «روز بعد»، چه رویکردی خواهد داشت؟ آنچه مسلم است، واشنگتن به دلایل مرتبط با منافع راهبردی خود، به شدت خواهان توقف سریع درگیری‌هاست. شروط و الزامات آمریکا برای آینده غزه و وضعیت پس از جنگ را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

- توقف کامل و فراگیر آتش‌بس؛
- آزادی تمامی گروگان‌های اسرائیلی در مقابل آزادی صدها اسیر فلسطینی؛
- باقی ماندن ارتش اسرائیل در نوار امنیتی حاشیه‌ای ۳۰۰ متری غزه؛
- آزاده فن‌سالار و مستقل غزه، با حمایت بین‌المللی و عربی و تحت نظارت مصر؛
- عدم حضور حساس در ساختار قدرت غیرنظامی (گرچه به‌توسی در صحنه باقی خواهد ماند)؛
- اخراج شمار اندکی از رهبران حساس (با توجه به اینکه اغلب آن‌ها هدف ترور قرار گرفته‌اند)؛
- باز گذاشتن مسیر برای «مهاجرت داوطلبانه» افراد علاقه‌مند به ترک غزه؛
- مشروط کردن بازسازی غزه به خلع سلاح کامل آن؛
- بسیع منابع مالی به ارزش ده‌ها میلیارد دلار برای بازسازی غزه؛
- توافق واشنگتن و تل‌آویو بر سر شرایط مداخله نظامی اسرائیل پس از پایان جنگ، مشابه تفاهات موجود درباره آتش‌بس در لبنان.

در حالی که اسرائیل با بخشی از این شروط آمریکا موافق است، مهم‌ترین نگرانی تل‌آویو به بند «عدم نابودی کامل نظامی حساس» بازمی‌گردد. به همین دلیل اسرائیل بر تداوم جنگ اصرار می‌ورزد و پیش‌بینی می‌شود ایالات متحده هرچند برای «روز بعد» برنامه‌ای دارد، اما بعید است اراده یا تلاشی برای تحمیل آن بر اسرائیل از خود نشان دهد. بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که جنگ در آستانه پایان است؛ زیرا نیت و راهبرد نتانیاهو همچنان در جهت ادامه درگیری است.



اصلی باقی‌مانده، موضوع خروج نیروهای نظامی اسرائیل از محور «مورag» است؛ گذرگاهی استراتژیک که رفح را از سایر نقاط غزه جدا می‌کند. اسرائیل در زمان تصرف این محور، آن را به‌عنوان اهرم چانه‌زنی برای بازپس‌گیری گروگان‌ها معرفی می‌کرد، اما اکنون حفظ کنترل بر این گذرگاه به اولویت جدید تل‌آویو تبدیل شده و همین موضوع، روند رسیدن به توافق را پیچیده‌تر ساخته است؛ در حالی که پیش‌تر، مقامات اسرائیلی مدعی بودند کنترل این محور می‌تواند مسیر توافق را هموار کند.

با توجه به مجموعه اظهارات و گزارش‌های منتشرشده، به نظر می‌رسد دستیابی به یک توافق موقت بسیار نزدیک باشد؛ توافقی که محورهای آن شامل آتش‌بس ۶۰ روزه، مبادله اسرا و آغاز مذاکراتی با هدف پایان دادن به جنگ است. البته این توافق منوط به تعهد آمریکا خواهد بود که مذاکرات حتی پس از پایان دوره ۶ روزه نیز ادامه یابد؛ به شرط آنکه گفت‌وگوها واقعی و با حسن نیت پیش برود و صرفاً بهانه‌ای برای تمدید آتش‌بس نباشد.

دلایل تمایل نتانیاهو به حرکت در این مسیر متعدد است: نخست، ناکامی عملیات «ارابه های جعدون» در تحقق اهداف اعلام‌شده؛ دوم، فرسودگی قابل توجه نیروهای نظامی اسرائیل در غزه؛ سوم، بی‌رغبتی نتانیاهو برای امضای توافقی که به طور کامل به جنگ پایان دهد؛ چهارم، فشارهای فزاینده از سوی ترامپ؛ و پنجم، تلاش برای جلب حمایت لیف‌های خبری و در سکوت خبری به پیروزی در انتخابات؛ ششم، تمایل نتانیاهو به بازگشت گروگان‌ها را خواستارند؛ هویزه در شرایطی که نتانیاهو عملاً وارد فضای رقابت انتخاباتی شده و به یک دستاورد سیاسی نیاز دارد.

طرح «شهر انسانی» در رفح؛ پوشش انسان‌دوستانه برای کوچ اجباری فلسطینیان؟

در حالی‌که مذاکرات درباره احتمال برقراری یک آتش‌بس زود هنگام جریان دارد، یک «منبع ارشد سیاسی» که در ادبیات رسانه‌ای اسرائیل اغلب اشاره به خود نتانیاهو دارد با اظهاراتی تند و صیغه‌ای نظامی‌گرایانه، فضای مذاکرات را ملتهب‌تر کرد. او هشدار داد که اسرائیل ممکن است به اشغال کامل نوار غزه دست بزند و حتی برای مدتی، اداره مستقیم امور روزمره این منطقه را بر عهده بگیرد. وی همچنین تصریح کرد که دست‌کم در رفح، یک حکومت نظامی موقت برقرار خواهد شد و طرح «شهر انسانی» نیز تحت مدیریت اسرائیل در همان منطقه به اجرا درمی‌آید. بر پایه همین طرح که با حمایت دولت ترامپ مطرح شده، اسرائیل قصد دارد ساکنان رفح را به یک کشور

یورام حازونی نظریه‌ای تحت عنوان «ستون منطقه‌ای» را ارائه می‌کند؛ بر اساس این دیدگاه، راهبرد کلان واشگتن باید در هر منطقه حساس، بر محور یک دولت مرکزی و مقتدر بنا شود. در این چارچوب، ایالات متحده، حتی اگر سیاستی انزواگرایانه پیش بگیرد برای حفاظت از منافع خود، به حمایت از یک متحد کلیدی منطقه‌ای ادامه خواهد داد. از نگاه نتانیاهو، این ستون راهبردی در خاورمیانه، چیزی جز اسرائیل نیست.

نکته مهم اینجاست که حازونی تنها به تغییر رژیم در ایران رضایت نمی‌دهد، بلکه بر تجزیه کامل ساختار این کشور پافشاری دارد؛ تا حتی اگر نظام فعلی سقوط کند، ایران نتواند بار دیگر به بازیگری تأثیرگذار و رقیبی قدرتمند برای منافع اسرائیل و آمریکا تبدیل شود.

برخی از تحلیل‌گران برجسته اسرائیلی نیز بر این باورند که ایران، فارغ از ماهیت نظام سیاسی خود، به دلیل منابع ظرفیت‌ها و موقعیت ژئوپلیتیکش، همواره به دنبال دستیابی به توانمندی هسته‌ای خواهد بود.

نشست محرمانه نتانیاهو و ترامپ؛ چرا غزه در اولویت دوم قرار گرفت؟

در نخستین دیدار نتانیاهو و ترامپ در کاخ سفید که بامداد دوشنبه هفته گذشته برگزار شد، محور اصلی گفتگوها بر مسئله ایران متمرکز بود. بنا بر گزارش‌ها، دو طرف در هدف نهایی یعنی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای توافق کردند، اما درباره مسیر تحقق این هدف اختلاف نظر دارند: ترامپ همچنان به مسیر مذاکرات دیپلماتیک و دست‌یابی به توافق جدید هسته‌ای دل بسته است، در حالی که نتانیاهو قاطعانه بر این باور است که تنها راه، ادامه فشار نظامی و تشدید حملات تا سرنگونی نظام تهران است؛ موضوعی که خبرگزاری رویترز نیز در گزارش خود به آن اشاره کرده است.

ظاهراً در نخستین دیدار نتانیاهو و ترامپ، پرونده غزه چندان مورد توجه قرار نگرفت و همین امر باعث شد تا جلسه دومی به‌طور اختصاصی به بررسی جنگ غزه و پیامدهای آن اختصاص یابد. این نشست دوم، بدون برگزاری کنفرانس خبری و در سکوت خبری به پایان رسید، اما برخی رسانه‌ها گزارش دادند که ترامپ با جدیت برای تحقق آتش‌بس فوری و رفع موانع مذاکرات غیرمستقیم بین نمایندگان حساس و اسرائیل در دوحه با وساطت قطر، مصر و آمریکا فشار آورده است.

به گفته استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا، تنها مانع

دیدار اخیر نتانیاهو و ترامپ در واشنگتن با هدف نمایش پیروزی بر ایران و مدیریت بحران غزه ناکام ماند. در حالی که ترامپ به دیپلماسی با ایران تمایل دارد، نتانیاهو بر ادامه فشار نظامی و حتی تجزیه ایران تأکید دارد. اسرائیل هم‌زمان با پیگیری طرح‌های تهاجمی در غزه، با حمایت آمریکا در تلاش برای اجرای طرح «شهر انسانی» و کوچ فلسطینیان است. اما اختلافات آشکار درباره آینده غزه، پایان قریب‌الوقوع جنگ را بعید می‌سازد.

به گزارش فرارو به نقل از روزنامه القدس العربی، قرار بود سومین سفر بنیامین نتانیاهو به واشنگتن به صحنه‌ای باشکوه برای نمایش «پیروزی قاطع بر ایران» در کنار ترامپ تبدیل شود؛ نمایشی تبلیغاتی که قرار بود دستاوردهای مشترک را برجسته کند و سایر مسائل از طریق مذاکرات و تماس‌های روزانه هیأت‌های دو کشور دنبال شود. اما آنچه در واقعیت رخ داد، تمام انتظارات مشترک ترامپ و نتانیاهو را نقش بر آب کرد. و حتی گزارش‌های معتبر از منابع آمریکایی، اروپایی و حتی اسرائیلی منتشر شد که به‌روشنی تأکید داشتند خبری از یک پیروزی واقعی نیست و جمهوری اسلامی همچنان این توانایی را دارد که هر زمان اراده کند، برنامه هسته‌ای خود را از سر بگیرد.

سناریوی خطرناک نتانیاهو؛ تجزیه ایران شرط بقای اسرائیل

در چنین فضایی و پس از ناکامی در ارائه «روایتی متقاعدکننده از پیروزی»، کنفرانس خبری مشترک میان ترامپ و نتانیاهو لغو شد و دو طرف به چند جمله کوتاه در خلال یک ضیافت شام پسنده کردند. اکنون که دیگر کسی روایت «جنگی با پایان پیروزمندانه» علیه ایران را جدی نمی‌گیرد، نتانیاهو تلاش زیادی کرد تا ترامپ و تیم مشاورانش را متقاعد کند که زخدهای اخیر صرفاً «نیمه اول نبرد» بوده و این تقابل باید با حمایت جدی‌تر واشنگتن و تکرار حملات اسرائیلی ادامه یابد؛ به‌ویژه در صورتی که ایران مجدداً فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سر بگیرد؛ موضوعی که بسیاری از مقام‌های ارشد اسرائیلی نیز بر آن اصرار دارند.

نتانیاهو چه پیش و چه پس از این دیدار، بارها به ترامپ گوشزد کرد که ضربه وارد شده به ایران و متحدانش، یک فرصت تاریخی پدید آورده است؛ فرصتی برای گسترش روند عادی‌سازی روابط و تعمیق توافقات ابراهیم، ایجاد اتلاف‌های تازه منطقه‌ای و بازطراحی نقشه خاورمیانه به سود اسرائیل. در این سناریو، اسرائیل در محوریت قرار می‌گیرد و سایر بازیگران منطقه به دور آن حلقه می‌زنند. هدف نتانیاهو آن بود که همه را متقاعد کند پیروزی نهایی متعلق به اوست و خود را سراسیمه دریافت امتیازات و پاداش این موفقیت جلوه دهد.

این بار، بنیامین نتانیاهو با شناخت دقیق از وزن و نفوذ جریان انزواطلب در واشنگتن راهی پایتخت آمریکا شد؛ جریانی که چهره شاخص آن، جی. دی. پنس، معاون رئیس‌جمهور، به صراحت با هرگونه مداخله نظامی آمریکا در جنگ‌هایی که امنیت ملی ایالات متحده را به طور مستقیم تهدید نمی‌کند، مخالفت می‌کند. برای مقابله با تأثیرگذاری این طیف، نتانیاهو بر ترویج افکار و ایده‌های پروفیسور یورام حازونی، چهره‌ای نوظهور و تأثیرگذار در میان محافظه‌کاران راست‌گرا در آمریکا، اروپا و اسرائیل تکیه کرده است؛ کسی که پیش‌تر در تدوین و ویرایش آثار نتانیاهو نیز نقش داشته است.

خبر

کارشناس مسائل بین‌الملل:

غرب برای توافق باید امتیازهای ملموسی به ایران پیشنهاد بدهد

یک کارشناس مسائل بین‌الملل به خبرنگارنلین گفت: شرط موفقیت دیپلماسی قهری این است که آمریکا بخواهد امتیازی به ایران بدهد و نخواهد که تهران تسلیم خواسته های آنها شود چراکه بار دیگر روند دیپلماتیک به شکست می انجامد.

سیدعباس عراقچی وزیرخارجه کشورمان در مصاحبه با روزنامه لوموند فرانسه تهدید کرد که ایران اقدام به فعال‌سازی مکانیسم ماشه در برجام را معادل یک حمله نظامی تلقی می‌کند، ولی در عین حال تأکید کرد که ایران فعلا قصدی برای خروج از NPT ندارد.

در همین باره رحمن قهرمانپور کارشناس مسائل بین‌الملل به خبرنگارنلین گفت: «بین فعالسازی مکانیسم ماشه و توافق ایران و آمریکا یک رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی اگر مذاکرات ایران و آمریکا در دوماه آینده به نتیجه برسد اروپا هم به دنبال فعالسازی مکانیسم ماشه نخواهد بود. یا حداقل اینکه آمریکا مانع اینکار خواهد بود.» این کارشناس با بیان اینکه سیاست فعلی ایران احتمالا جلوگیری از روند مکانیسم ماشه است، تأکید کرد: «سیاست حال حاضر ایران این است که از طریق توافق با آمریکا جلوی فعالسازی مکانیسم را بگیرد.» قهرمانپور در پاسخ به

اینکه آیا تهدیدها و لحن تند مقام‌های جمهوری اسلامی کارساز می‌شود و جلوی اقدام اروپا برای استفاده از اهرمش در برجام، یعنی مکانیسم ماشه را می‌گیرد؟ با بیان اینکه فعال سازی مکانیسم ماشه بیشتر از آنکه به تهدیدات ایران علیه اروپا بستگی داشته باشد به توافق ایران و آمریکا بستگی دارد، افزود: «اگر این توافق انجام شود مهمترین ابزار برای جلوگیری از فعالسازی مکانیسم ماشه خواهد بود. البته باید توجه داشته باشیم که اروپا در موضوع اوکراین تا حدی تلاش کرد مستقل از آمریکا عمل کند. در این مورد یعنی فعالسازی مکانسم ماشه هم به نظر می‌رسد که اروپا تلاش دارد از این طریق به ایران و آمریکا بگوید که باید اروپا را در مذاکرات جدی بگیرند. لحن مقامات ایرانی درباره اروپا طوری بود که انگار اروپا جایگاهی در سیاست بین‌الملل ندارد. به نظر می‌رسد که اظهارات تند مقامات اروپایی از جمله امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و فردریش مرنس، صدراعظم آلمان، درباره ایران در واکنش به این اظهارات مقامات ایرانی بود. فراموش نکنیم که اروپایی‌ها از هر دوطرف تحت فشار هستند؛ هم از طرف روسیه و هم از سوی آمریکا. شاید در این وضعیت فکر می‌کنند با برخورد تند با ایران می‌توانند جایگاه خود را در سیاست بین‌الملل تقویت کنند.»

شرط موفقیت دیپلماسی قهری این است که آمریکا بخواهد امتیازی به ایران بدهد

ایران بارها تهدید کرده‌است که تحت فشار بیشتر، تمایل کمتری به مذاکره و امتیاز دادن نشان می‌دهد، این در حالی است که سه قدرت اروپایی و آمریکا اقدامات قهری را در پیش گرفته‌اند و قصد دارند با اقداماتی مانند فشار نظامی و تهدید به بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت، ایران را وادار به دادن امتیازهای بیشتر کنند. این کارشناس مسائل بین‌الملل در پاسخ به اینکه آیا اقدام‌های قهری باعث عقب‌نشینی ایران خواهد شد یا نه؟ با بیان اینکه واقعیت این است که شرایط هم برای ایران و هم آمریکا بعد از حملات اسرائیل در ۲۳ خرداد تغییر کرده است؛ افزود: «همچنان آمریکا و اروپا بر این باور هستند که ایران در موقعیت ضعیفی است. اما در عین حال می‌دانند که موفقیت دیپلماسی قهری، منوط به این است که امتیازی به ایران داده شود و این امتیاز در حدی باشد که ایران بتواند در داخل از توافق حمایت کند. شرط موفقیت دیپلماسی قهری این است که آمریکا بخواهد امتیازی به ایران بدهد اگر سیاست آمریکا همچنان این باشد که امتیاز خاصی به ایران ندهد و در عوض خواستار امتیاز حداکثری از ایران باشد به نظر می‌رسد که امکان موفقیت مذاکرات کمتر خواهد شد و در داخل ایران اجماع نظری درباره توافق شکل نخواهد گرفت.»

اگر فرض آمریکا این باشد که ایران در موضع ضعف است از همین حالا مذاکره به شکست می‌انجامد

در هفته‌های اخیر با توجه به اظهارات مقام‌های اروپایی از جمله نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا و رئیس‌جمهور فرانسه، مبنی بر تمایل اروپا به برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران و تمام شدن برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، به نظر می‌رسد موضع اروپا نسبت به ایران سرخشان‌تر شده‌باشد و امتیازهایی بسیار فراتر از برجام از ایران می‌خواهد.